

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هشتم، شماره اول، پیاپی (۲۴)، بهار ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۳

صص ۱۰۲ - ۸۱

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز

علی حسین حسین زاده^۱، عبدالرضا نواح^{۲*}، هدا ساکی^۳

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز است که برای تبیین مساله و تعیین چارچوب نظری از دیدگاه‌های جامعه شناسی مربوط به هویت جنسیتی استفاده و فرضیات از آن استخراج شد. این تحقیق به صورت پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه است جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز که حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۲۵۴ نفر تعیین شد. از لحاظ زمانی این پژوهش در سال ۱۳۹۱-۱۳۹۲ اجرا شده است.

1- دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
alios81@yahoo.com

2- دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)
dr.navah@yahoo.com

3- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته رابطه معناداری دارند. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که تنها سه متغیر نگرش به اشتغال، نقش‌های جنسیتی و دینداری معنادار بوده‌اند که در مجموع ۲۳ درصد از تغییرات مربوط به هویت جنسیتی دختران دانشجوی را این دو متغیر تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: هویت جنسیتی، دختران دانشجوی، نقش‌های جنسیتی.

مقدمه و طرح مسأله

یکی از ابعاد زندگی اجتماعی انسان، شکل‌گیری هویت اجتماعی است و عوامل گوناگونی در حوزه زندگی اجتماعی مانند خانواده و... در فرآیند شکل‌گیری آن نقش دارند. فرهنگ منبع هویت است. هویت اجتماعی دارای ابعاد گوناگون چون هویت خانوادگی، هویت قومی، هویت نژادی، هویت ملی و هویت جنسیتی است.

هویت جنسیتی، آن بخش از رفتارها و نگرش‌های فرد نسبت به جنسیت خویش است که تحت تاثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. بیشتر روان‌شناسان و نظریه پردازان شخصیت، هویت را در درجه اول امری فردی و شخصی می‌دانند و آن را به ویژگی‌های شخصیتی و احساسی فرد معطوف می‌سازند. روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان معتقدند که احساس هویت به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد و بستر شکل‌گیری آن زندگی اجتماعی است.

برجسته‌ترین عنصر هویت شخصیتی یا خود، آن بخش از هویت اجتماعی است که در آن هر کدام از ما به یکی از دو مقوله مرد یا زن منتسب می‌شویم، هر کدام از ما دارای یک هویت جنسیتی هستیم؛ یعنی خودمان برچسب مذکر یا مونث می‌زنیم (بروان، ۱۹۹۷: ۱۷۵).

هویت جنسیتی از طریق تعامل اجتماعی شکل گرفته و از کانال کارگزاران جامعه پذیری به افراد منتقل می‌گردد و افراد از طریق این هویت، در اکثر موارد به بازتولید ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهایی می‌پردازند که محیط اجتماعی برای یک دختر و یک پسر تصویب کرده است (لربر، ۲۰۰۰: ۴۵۶).

بخش مهمی از شناخت‌های مربوط به ویژگی‌ها و هویت جنسیتی، ناشی از عقاید قالبی و

کلیشه‌هاست (رحمتی، ۱۳۷۱: ۱۱). براساس کلیشه‌های جنسیتی، زنان و مردان در جامعه دارای ویژگی‌های خاص، رفتار خاص و حالت روانی خاص هستند و در نهایت قابلیت انجام وظایف و کارهایی را دارند که به صورت معمول با یکدیگر متفاوتند (اعزازی، ۱۳۸۰: ۴۵).

در مورد هویت جنسیتی بویژه در بین دانشجویان، مطالعات اندکی صورت گرفته است و داده‌های موجود به بسیاری از سوالات در زمینه‌های این نوع هویت، پاسخ نداده‌اند.

در این بررسی قصد بر این است که معلوم گردد افراد مورد مطالعه تا چه اندازه هویت جنسیتی را می‌پذیرند؟ و کدام عوامل اجتماعی - فردی در پذیرش این هویت جنسیتی نقش دارند؟ از آنجا که دانشجویان هم به عنوان یکی از اقشار اجتماعی مهم جامعه و هم به عنوان یکی از منابع مهم هنجارفرست در هر جامعه محسوب می‌شوند و الگوهای اندیشه و عمل آنان با سرعت بیشتری توسط همگان پذیرفته می‌شود. بررسی هویت جنسیتی آنان از اهمیت خاص برخوردار است.

قانون مدنی ایران بر وجود کانون خانوادگی گرم و آرامی تاکید دارد که براساس آن بر اقتدار شوهر و پدر استوار است. این امر نقش‌های سنتی زنانه و مردانه را هم در خانواده و هم در اجتماع تشدید می‌کند. نقش مادری و کارهای خانگی بر عهده زن و کار خارج از خانه بر عهده مرد است و مرد نان آور خانواده محسوب می‌شود. به رسمیت شناختن اقتدار مرد در خانواده و وظیفه نان آوری او که قانون بر عهده اش گذاشته است در حیطه اشتغال نیز موقعیت ممتازی برای فرد فراهم می‌آورد. مجموعه این سیاست‌گذارها از طرفی روابط سنتی و مردسالارانه را در خانواده تحکیم می‌کند و از طرفی دیگر موقعیت زن را هم در بعد مادری و هم در بعد اجتماعی و اقتصادی تضعیف می‌نماید زیرا حوزه‌های عمومی و خصوصی دنیاها را جداگانه‌ای نیستند بلکه جنبه‌هایی از یک نظام اجتماعی-فرهنگی واحدند (کیان ۱۳۷۵: ۴۲ به نقل از حبیب‌اله ۱۳۸۲: ۳۶). بنابراین پر واضح است که افزایش اقتدار و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی اقتصادی سیاسی و فرهنگی جامعه ساختار سنتی خانواده که بر اقتدار و سلطه مردان استوار بود را بر هم می‌زند و هویت‌های جنسیتی جدیدتری را جایگزین هویت‌های جنسیتی کلیشه‌ای زن و مرد خواهد نمود. با توجه به مباحث فوق، این ضرورت احساس می‌شود که عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری این نوع هویت (هویت جنسیتی) در

بین جوانان به ویژه دانشجویان دختر به عنوان اهرمهای مهم و اساسی هر جامعه‌ای که هم نقش‌های مادری، همسری در درون خانواده و هم نقشها و وظایف شغلی و مدیریتی در جامعه را برعهده خواهند داشت، مورد بررسی و مطالعه علمی قرار گیرد، از این رو در این تحقیق سعی شده است تا عوامل اجتماعی موثر بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجو مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری

با توجه به مبانی نظری و مطالعات انجام شده در این زمینه می‌توان مهم‌ترین نظریات مرتبط جهت تبیین شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران را مطرح نمود. در این تحقیق چارچوب نظری جهت تبیین این مسأله شامل نظریه نقش، نظریه جامعه‌پذیری جنسیت، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه طرحواره جنسیتی، نظریه هویت جنکینز است.

نظریه نقش

در نظریه نقش، مفاهیم پایگاه و مجموعه پایگاهی و نیز نقش و مجموعه نقشی اهمیت می‌یابند. در واقع، پایگاه موضعی است که فرد در ساختار اجتماعی جامعه خود، اشغال می‌کند و براساس ارزش مندی آن پایگاه به لحاظ میزان کنش، قدرت، تسلط و یا حیثیت جای معینی را در سلسله مراتب اجتماعی به خود اختصاص می‌دهد. در هر پایگاه افراد از برخی حقوق و امتیازات برخوردار می‌گردند در حالی که باید وظایف و تکالیفی را نیز انجام دهند. در این جا واژه پایگاه و نقش به هم پیوند می‌خورند. بدین معنی که پایگاه موضعی است که فرد در سلسله مراتب اجتماعی اشغال می‌کند و نقش مجموعه امتیازات و تکالیف نهفته در پایگاه محسوب می‌گردد که جامعه و دارنده پایگاه انتظار دارند. عبارت مجموعه نقشی، به کلیه روابط نقشی یک شخص که با دیگران به دلیل پایگاه اجتماعی خاص خود برقرار می‌کند، گفته می‌شود، اعضای یک نظام اجتماعی معین ممکن است که به کسانی که نقش‌های مقرر را خوب اجرا می‌کنند پاداش بدهند و آنهایی را که به این هنجارها پاسخ منفی می‌دهند، تنبیه

نماید (دوچ و کرواس^۱، ۱۸۹: ۱۳۷۴). بدین ترتیب می‌توان گفت نقش جنسیتی عبارت است از انتظارات غالب در یک جامعه در مورد فعالیت‌ها و رفتارهایی که مردان و زنان می‌توانند یا نمی‌توانند در آنها درگیر شوند (کامیر^۲ و همکاران، ۱۹۹۲: ۳۲۵). بدین ترتیب، وقتی از مفهوم نقش جنسیتی سخن می‌گوییم علاوه بر اختصاص وظایف و کارهای خانگی یا اجتماعی جداگانه به هریک از دو جنس، انتظار ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت از هریک از دو جنس (مانند رفتار عاطفی و مداراگرانه زنان و رفتار تهاجمی و حسابگرانه مردان) نیز مدنظر است.

بدین ترتیب، نقش‌های جنسیتی آن دسته از تجربیات مشترکی هستند که افراد بر مبنای مونث یا مذکر بودن شان به دست آورده و بر مبنای آن عمل می‌کنند. بر این اساس، اعضای جامعه توقعات و انتظاراتی را راجع به رفتارهای مناسب برای یک فرد دارند که این انتظارات اجتماعی بر پایه تعلق افراد یکی از مقولات مرد یا زن شکل گرفته‌اند (اگلی^۳، ۲۰۰۰: ۴۴۸). به طور خلاصه باید گفت که اساسی‌ترین ایده در نظریه نقش اجتماعی این است که تفاوت‌های نگرشی و رفتاری مردان و زنان، ناشی از نقش‌های متفاوتی است که آنها در جامعه دارند، زیرا نقش‌های اجتماعی نگرش‌ها و رفتارهای خاصی را ایجاب یا نفی می‌کنند. به عبارت دیگر، موقعیت فرد در ساختار اجتماعی (پایگاه اجتماعی)، شکل دهنده باورها، نگرش‌ها و رفتارهای (نقش‌های اجتماعی) اوست (زو^۴، ۱۹۹۷).

نظریه طرحواره جنسیت^۵

مفهوم طرحواره، به یک ساخت شناختی اطلاق می‌شود که نشان دهنده آگاهی و شناخت فرد راجع به یک مفهوم با یک نوع محرک (شامل اسنادهای آن و روابط میان اسنادها) است. طرحواره‌ها به عنوان شیوه‌های مهم قالب‌سازی دیدگاه یک فرد درباره جهان‌ش در نظر گرفته می‌شوند؛ چرا که بر فرآیندهای توجه، حافظه و استنباط اجتماعی تاثیر می‌گذارد

1. Duch & Krouvas
2. Kamir
3. Eglee
4. Zoee
5. Gender Schema Theory

(میلتون، ۲۰۰۰). انواع متفاوتی از طرحواره‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ نظیر طرحواره‌های مربوط به اشخاص، طرحواره‌های مربوط به خود، طرحواره‌های مربوط به نقش، طرحواره‌های مربوط به وقایع و رویدادها و طرحواره‌های آزاد (ایرونی و باقریان، ۱۳۸۳: ۵۹). یکی از مهم‌ترین طرحواره‌های بررسی شده، طرحواره جنسیت است که مطالعه درباره آن به ارائه نظریه طرحواره جنسیت منجر شده است. این نظریه در چارچوب نظریات مربوط به هویت جنسیتی، توسط سانداریم^۱ ارائه شده است. هویت جنسیتی زمانی شکل می‌گیرد که کودکان معنا و تصویری از خود می‌سازند که در بردارنده مفاهیم مردانگی یا زنانگی است و جنسیت به بخشی از خودپنداره آنها تبدیل می‌گردد. بین سنین چهار تا هفت سالگی، کودکان به تدریج مفهوم ثبات جنسیتی^۲ را می‌فهمند. بدین معنی که تشخیص می‌دهند جنسیت یک ویژگی اساسی و بنیانی برای تعریف و شناخت هرکسی است. پس از استحکام این شناخت‌ها، ادراکات فرد تحت تاثیر آن چه که درباره جنسیت یاد گرفته‌اند قرار می‌گیرد (بارون و بیرون، ۱۹۹۷: ۱۷۶). به عقیده بِن، کودکان این آمادگی عمومی را دارند تا اطلاعات راجع به خودشان را بر مبنای تعاریف اجتماعی رفتارهای مناسب برای هر جنس، سامان دهی نمایند. زمانی که یک کودک می‌آموزد که خودش را دختر یا پسر بداند، صحنه آماده است تا کودک نقش‌هایی را بیاموزد که این بی‌چسب‌ها را همراهی می‌کنند. به موازات رشد کودکان، آنها به تفصیل عقاید کلیشه‌ای مربوط به مرد یا زن بودن (کلیشه‌های جنسیتی) را در فرهنگ خودشان می‌آموزند. (بارون و بیرون، ۱۹۹۷: ۱۷۷).

نظریه یادگیری اجتماعی^۳

نظریه یادگیری اجتماعی بر ارتباط سه گانه بین فرد، رفتار و محیط از طریق فرآیند التزام یا علیت متقابل تاکید می‌کند (گراف^۴ و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸). گرچه فرآیند در دو محیط فیزیکی (جنبه‌های مادی میدان رفتار) اجتماعی (حضور واقعی یا خیالی دیگران و یا مشارکت آنان در

1. Sandra Ben

2. Gender Consistency

3. Social Learning Theory

4. Graft

زمان یادگیری) رخ می‌دهد، با این حال به نظر می‌رسد محیط اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد (شاوو کوستانزو^۱، ۱۹۸۲: ۴۱).

یکی از کاربردهای نظریه یادگیری اجتماعی، توضیح علل تفاوت‌های جنسیتی در نگرش و رفتار است. این نظریه تاکید بسیار زیادی بر نقش عوامل محیطی در یادگیری نگرش‌ها و رفتارها دارد.

آلبرت باندورا که نامش با نظریه یادگیری اجتماعی پیوند خورده است که توضیح چگونگی فراگیری رفتارهای مربوط به نقش جنسیتی می‌گوید: کودک از دو طریق رفتارهای اجتماعی و نقش‌های جنسیتی را یاد می‌گیرد، نخست از طریق آموزش مستقیم (شرطی سازی کودک به مدد عوامل تقویت کننده که وی طی آنها دریافت پاداش و یا تنبیه نسبت به رفتارهای جنسیتی شرطی شده و آنها را می‌آموزد)؛ و دوم از طریق تقلید یا همانند سازی یا سرمشق گیری (الگوسازی رفتارهای جنسیتی توسط والدین و سایر کارگزاران جامعه پذیری، و تقلید و پیروی کودک از این الگوها) (دوسک، ۱۹۸۷: ۱۲۸). این نظریه بر این اندیشه مبتنی است که کودکان نقش‌های مربوط به جنسیت خود را به وسیله پاداش و تنبیهی که در طی انجام بازی‌های مختلف با کودکان دیگر و نیز مشاهده رفتار دیگران به عنوان سرمشق‌ها و مدل‌ها دریافت می‌دارند، یاد می‌گیرند (مارتین، ۲۰۰۰: ۲۲۴)

در مجموع، طرف داران این نظریه بر این باورند که والدین نقش بسیار مهمی در یاددهی نقش‌های جنسیتی به فرزندان ایفاء می‌کنند، زیرا زمان زیادی را در ارتباط نزدیک با کودک می‌گذارند و رابطه‌ای عاطفی باوی دارند. والدین برای رفتارهای که به گمان آنها، با جنسیت کودک متناسب است به او پاداش می‌دهند، کودک می‌آموزد آنچه را که مورد تایید و پسند واقع می‌شود حدس بزند و مطابق آن رفتار کند... والدین و دیگران، پاداش و تنبیه، کودک را به تقلید آن چه نقش جنسیتی مناسب می‌پندارند تشویق می‌کنند. در حقیقت این پیش فرض که والدین آشکارا میان دختر و پسر فرقی می‌گذارند در این نظریه نقش اساسی دارد (گرت^۲، ۱۳۸۰: ۳۵).

نظریه جامعه پذیری جنسیت^۱

آشکارترین شیوه‌ای که از طریق آن، فرهنگ جامعه در ایجاد تفاوت‌های رفتار مردان و زنان نقش ایفاء می‌کند، جامعه پذیری است. جامعه پذیری فرآیندی است که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه شناسان را می‌آموزند و شخصیت ویژه‌ای کسب می‌کنند؛ به گونه‌ای که آمادگی عملکرد و رفتار در جامعه به عنوان یک عضو را پیدا نمایند. آن چه که جامعه شناسان در فرآیند جامعه پذیری بر آن تاکید دارند یادگیری مهارت‌ها و نگرهایی است که متناسب با نقش‌های اجتماعی افراد است. جامعه پذیری جنسیت آن بخش از اجتماعی شدن است که به وسیله آن نه تنها کودکان تبدیل به موجوداتی اجتماعی می‌شوند، بلکه به افرادی با ویژگی‌های مردانه یا زنانه تبدیل می‌گردند. در این وضعیت، جنسیت یعنی مرد یا زن بودن، در بردارنده مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی است که در درون هر جامعه برای مردان و زنان، شایسته و مناسب است. آن چه که به عنوان محتوای این فرآیند در نظر گرفته می‌شود (نظیر هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها) همان‌هایی هستند که از نیازهای سیستم اجتماعی جامعه سرچشمه می‌گیرند (استانلی و وایز^۲، ۲۰۰۲: ۲۷۳).

گرچه جامعه شناسان در اهمیت خانواده، مدرسه، همسالان و رسانه‌های گروهی در اجتماعی کردن اعضای جامعه متفق القولند، اما بسیاری از آنها بر این باورند که خانواده دارای اهمیتی اساسی در جامعه پذیر کردن افراد است. کودکان که به طور دایم والدین شان را در هنگام اجرای نقش‌های جنسیتی روزانه شان می‌بینند، اگر می‌بینند که مادرانشان اغلب در داخل منزل به سر برده و پدرانشان در خارج از منزل به کار اشتغال دارند، مادران شان نسبت به پدران شان وقت بیشتری را برای آشپزی، نظافت و سایر کارهای خانه داری اختصاص می‌دهند و اغلب مادران شان هستند که از کارشان می‌زنند تا از آنها به هنگام بیماری مراقبت کرده یا آنها را به کتر ببرند، طبیعی است که این کودکان نقش‌های مذکور را به عنوان شیوه‌های عادی و پذیرفته شده برای رفتار مردان و زنان تلقی کرده و آنها را بپذیرند (براون، ۱۹۹۲: ۸۶). براساس نظریه جامعه پذیری جنسیت، در فرآیند جامعه پذیری در خانواده، نگرش‌ها و هویت جنسیتی

1. Gender Socialization Theory

2. Estanli & Varise

به صورت درونی شده به فرزندان انتقال یافته و تداوم سلطه مردان و فرمانبرداری زنان را به دنبال می‌آورد.

باتوجه به این که در طی فرآیند جامعه‌پذیری جنسیت، معمولاً از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و بارآده ترسیم گردیده و درمقابل، زنان موجوداتی آرام، فرمانبر، منفعل، عاطفی و وابسته توصیف می‌شوند؛ در چنین شرایطی مردان نقش جنسیتی سلطه‌گری مردانه و زنان نقش فرمانبر بودن را می‌پذیرند (شافر و لامن، ۱۹۹۲: ۹۸).

یکی دیگر از راه‌هایی که والدین، رفتارهای جنسیت‌مدار فرزندان را تقویت می‌کنند از طریق الگوهای متفاوت کنش متقابل و رفتار با دختران و پسران است. والدین این رفتارهای معین در فرزندان شان تقویت می‌کنند. از این رو، تقلید فرزندان از رفتارهای والدین و نیز تقویت مستقیم پاسخ‌های فرزندان توسط والدین از راه‌های اساسی هستند که منجر به جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران در خانواده می‌گردد. این تفاوت‌گذاری‌ها و تمایزات بین دو جنس که از آغاز زندگی شروع می‌شود منجر به یادگیری رفتارهای منفعلانه، مطیعانه و پرورشی و مراقبت از دیگران توسط دختران می‌گردد در حالی که پسران رفتارهای فعالانه، پرخاشگرانه و مستقل‌متکی به خود بودن را می‌آموزند. براساس نظریات "بلاک" والدین به احتمال زیاد رفتارهایی را در پسران تشویق می‌کنند که آنها را دارای اعتماد به نفس، مستقل و جسور بار می‌آورند؛ در حالی که دختران را به سوی رفتارهای افزایش‌دهنده روابط متقابل با دیگران و متکی شدن به آنها سوق می‌دهند. (لیندسی و همکاران، ۱۹۹۷: ۶۴۳).

نظریه هویت ریچارد جنکینز^۱

جنکینز استدلال می‌کند که بسیاری مطالعات جامعه‌شناختی و روزمره میان هویت (یا هویت‌های) اجتماعی و هویت فردی تمایز نوعی قائل می‌شوند؛ درحالی که امر یگانه فردی و امر مشترک جمعی را می‌توان چنان فهم کرد که مشابه همدیگر باشند (اگر دقیقاً با هم یکسان نباشند)؛ شاید بارزترین فرق میان هویت فردی و هویت جمعی در این باشد که هویت فردی بر تفاوت و هویت جمعی بر شباهت تأکید دارد؛ با این حال حتی این هم چیزی بیش از این نیست

1. Richard Jenkins

که هریک از آنها بریک موضوع تأکید می‌کنند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۵-۳۴). اتفاقاً با رجوع به فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد در می‌یابیم که واژه‌ی هویت یا Identity ریشه در زبان لاتین دارد (Identitas از Idem یعنی "مشابه و یکسان" ریشه می‌گیرد) و دو معنای اصلی دارد: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است: این با آن مشابه است. معنی دوم آن به مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، به مفهوم شباهت از دو زاویه‌ی مختلف راه می‌یابد و مفهوم هویت بطور همزمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می‌سازد: از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت (همان، ۱۳۸۱: ۵).

جنکینز معتقد است هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می‌توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت‌های اولیه مانند - خویشتنی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و..... در قیاس با سایر هویت‌های اجتماعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه اجتماع دارای اهمیت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم. نهادها به عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سازمان‌ها به عنوان نمود رده بندی‌های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت به آنها تخصیص داده می‌شوند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۴۴-۳۶).

پیشینه مطالعاتی پژوهش

الف (مطالعه داخلی

علمی، محمود؛ الیاسی، سارا (۱۳۸۸)، مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل اجتماعی موثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی زنان شاغل همسر دار شهرستان سراب» انجام داده‌اند. هدف از انجام این پژوهش، توصیف میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی توسط زنان و تحلیل اجتماعی موثر بر آن است. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش انجام گردیده و برای گردآوری داده‌ها

از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق ۳۳۳ نفر از زنان شاغل همسر دار شهرستان سراب بوده است که با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی ساده و براساس فرمول نمونه گیری کوکران ب حجم نمونه برابر ۱۵۲ نفر از آنان، به عنوان پاسخگویان تحقیق انتخاب شدند. متغیر وابسته تحقیق، « میزان پذیرش کلیشه های جنسیتی » بوده است که رابطه آن با برخی از متغیرهای اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. یافته ها نشان می دهد که ویژگی های شخصیتی ابزاری نظیر فعال، پراثر، مستقل، پرخاشگر، مدیر، قوی و توانا به مردان و ویژگی های شخصیتی بیانی یا روحیه بخش نظیر عاطفی، حساس، جذاب، آرام، صبور، مضطرب، وابسته به دیگران و نگران به زنان نسبت داده شده اند. هم چنین مشخص گردید که بین حمایت اجتماعی سازمان، شبکه روابط اجتماعی، تعهد به نقش، سطح تحصیلات همسر، سابقه کار و سن زنان با میزان پذیرش کلیشه های جنسیتی رابطه معناداری وجود نداشته است و طبق آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره، عدم حمایت اجتماعی سازمان و عدم تعهد به نقش، سابقه کار و سن زنان بر میزان پذیرش کلیشه های جنسیتی زنان تاثیر گذار بوده اند.

علمی، محمود، علیزاده، حمیده (۱۳۸۸) در مطالعه ای با عنوان « عوامل اجتماعی موثر بر هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز»، هویت را پدیده ای پویا و شامل بخشهای گوناگونی می دانند که از عضویت فرد در گروه های مختلف ناشی می شود. هویت ابعاد گسترده و گوناگونی دارد که یکی از انواع آن هویت جنسیتی است. روش تحقیق، پیمایش و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه است. جامعه آماری این تحقیق دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز را در سال ۱۳۸۷ و در نمونه ای به حجم ۳۷۱ نفر از آنان است. نتایج به دست آمده از انجام آزمونهای مختلف آماری، نشان داد که رابطه معنی داری بین عوامل اجتماعی موثر و هویت جنسیتی وجود دارد. متغیرهای تحصیلات مادر، شغل پدر، تبعیض جنسی در خانواده، هرم قدرت در خانواده و نگرش شغلی سنتی، با پذیرش هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز رابطه معنی داری دارند.

نیکجو (۱۳۷۷) تحقیقی با عنوان « بررسی عوامل خانوادگی موثر بر نگرش دختران نسبت به نقش اجتماعی خود»، انجام داده است نتایج این تحقیق نشان می دهد که در جوامع امروز

تقسیم کار جنسیتی از حالت سنتی صرف خارج شده و حضور زنان و دختران را در عرصه‌های مختلف اجتماعی اجتناب ناپذیر ساخته است، اما هنوز فهم سنتی از مذهب، رسم و رسومات قومی و قبیله‌ای، افکار قالبی، و... مانعی جدی بر سر راه فعالیت اجتماعی زنان است. به طور کلی در این پژوهش بر نقش اساسی خانواده در نحوه شکل‌گیری نقش‌های اجتماعی در دختران تاکید شده است.

ریاحی، اسماعیل (۱۳۸۶)، مطالعه‌ای با عنوان «عوامل اجتماعی موثر بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی: مورد مطالعه؛ جوانان کارآموز در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران» انجام داده است. هدف از انجام این پژوهش، توصیف میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی توسط مردان و زنان جوان در استان مازندران و تحلیل عوامل خانوادگی و اجتماعی موثر بر آن است. این تحقیق با استفاده از روش پیمایش انجام گردیده و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های خود اجرا استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق ۱۰۹۴۴ نفر از کارآموزان جوان در مراکز ثابت آموزش فنی و حرفه‌ای استان مازندران بوده است که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری کوکران، حجم نمونه برابر ۴۲۵ نفر از آنان به عنوان پاسخگویان تحقیق انتخاب شدند. متغیر وابسته تحقیق، «میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی» بوده است که رابطه آن با برخی از متغیرهای اجتماعی و خانوادگی به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گرچه تفاوت‌های جنسیتی معناداری در میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی مشاهده شده است؛ اما در مجموع، ویژگی‌های شخصیتی ابزاری با سازمانده نظیر فعال، پر انرژی، مستقل، پرخاشگر، مدیر، قوی، و توانا به مردان و ویژگی‌های شخصیتی بیانی با روحیه بخش نظیر عاطفی، حساس، جذاب، آرام، صبور، مضطرب، وابسته به دیگران و نگران به زنان نسبت داده شده‌اند. همچنین مشخص گردید که بین جنسیت، محل سکونت، میزان تحصیلات، میزان درآمد خانواده و میزان سختگیری والدین با میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی رابطه معناداری وجود داشته است، متغیرهایی نظیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده، نگرش جنسیتی سنتی، نگرش شغلی سنتی و وضع تاهل بر میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی تاثیر گذار بوده‌اند.

ب) مطالعه خارجی

استفان و کورد^۱ (۱۹۸۵) تحقیقی با عنوان «تاثیر خانواده، شغل و نگرش های جنسیتی فرزندان» انجام داده اند. هدف این مطالعه، پاسخ به این سوال است که آیا موقعیت شغلی و سطوح تحصیلی والدین بر نگرش های جنسیتی فرزندان اثر می گذارد یا خیر؟. این تحقیق به شیوه پیمایشی بوده، ابزار جمع آوری اطلاعات در آن، پرسشنامه است. جامعه آماری در این تحقیق، نوجوانان ۱۵-۱۸ ساله است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که نوجوانانی که هر دو والدین شان در خارج از خانه کار می کنند نگرش تساوی گرایانه نسبت به نقش های جنسیتی دارند.

پاول و استیلما^۲ (۱۹۸۲) تحقیقی با عنوان «بررسی و مقایسه تاثیر مادر بر نگرش فرزندان دختر و پسر نسبت به کار زنان» انجام داده اند. هدف این تحقیق بررسی مقایسه ای تاثیر مادر و شاغل بودن او بر نگرش های جنسیتی فرزندان است. این تحقیق به شیوه پیمایشی بوده و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری آن کلیه ۱۶-۱۹ ساله شهر نیویورک است که حجم نمونه به روش خوشه ای تصادفی طبقه ای به دست آمده است. یافته های اسن تحقیق حاکی از آن است که پسرانی که دارای مادرانی شاغل و تحصیل کرده هستند، نگرش های جنسیتی تساوی گرایانه تری نسبت به دخترانی دارند که دارای این خصوصیات هستند.

برهوم^۳ (۱۹۸۳)، مطالعه ای با عنوان «نگرش دانشجویان نسبت به کار زنان در شهر جردان» انجام داده است. محقق در این تحقیق برخی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر نگرش دانشجویان نسبت به کار زنان را مورد بررسی قرار داده است. این تحقیق به شیوه پیمایشی بوده و ابزار جمع آوری اطلاعات در آن، پرسشنامه است. نتایج تحقیق نشان می دهد که رابطه معنی داری بین میزان دینداری و نگرش نسبت به کار زنان وجود دارد. از سوی دیگر بین سن، جنس، و پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هرم قدرت در خانواده و قومیت با نگرش نسبت به کار زنان رابطه معنا دار مثبتی وجود دارد.

1. Stepan and Corder
2. Powell and Steelma
3. Barhom

بدار و دیگران^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای بین‌المللی در ۲۵ کشور در مورد کلیشه‌های جنسیتی انجام داده‌اند. این پژوهش به شیوه پیمایشی و ابزار جم‌آوری اطلاعات در آن پرسشنامه است. نتایج این مطالعه نشان داد که صفت‌های نظیر عاطفی، مضطرب، وابسته، ترسو، مهربان، ملایم، احساساتی، دلسوز، نازکدل، منفعل به زنانی و صفاتی نظیر فعال، حادثه‌جو، پرخاشگر، خشن، سلطه‌گر، قوی، با انرژی، مستقل، مقاوم و سنگدل به مردان نسبت داده شده است. این برداشت در تعداد زیادی از فرهنگ‌ها وجود دارد و نشان می‌دهد که تصورات قالبی در مورد زنان منفی است. مثلاً از نظر حساسیت، درک دیگران و خونگرمی در روابط عاطفی تا اندازه‌ای برتری به زنان داده می‌شود. اما در مجموع صفات مردانه خیلی با ارزش تر از صفات زنانه است.

گوردین و تاونزند^۲ (۱۹۸۶) در پژوهش خود با عنوان "دارا بودن آگاهی جنسی" در مورد هویت جنسی زنان و تشخیص هویت گروهی و آگاهی‌های گروهی، ۱۶ مقوله تهیه کردند که از هر کدام از زنان می‌پرسیدند که با کدام یک از این مقوله‌ها (گروه‌ها) احساس همبستگی می‌کنند و اینکه با کدام دسته از مردم با ایده‌ها و علایقشان موافقت می‌کند. مطالعه‌ی یاد شده نشان داد که زنان چگونه درگیر ساز و کارهای هویت بخش اجتماعی، مقوله بندی خود و دیگران و همچنین، هویت دهی به خود می‌شوند. در این مطالعه، از روش پیمایش و مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق، کلیه زنان شهر پترزبورگ است که تعداد ۸۴۵ نفر از زنان شهر پترزبورگ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند.

فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجو رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین دینداری و شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجو رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین نابرابری جنسیتی و شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجو رابطه

1. Bethar

2. Gurin and Townsend

وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین نگرش به اشتغال و شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین نقش‌های جنسیتی و شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

نوع تحقیق در این پژوهش کاربردی است. روش اجرای تحقیق نیز پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. همچنین برای تهیه چارچوب مفهومی و تجربی از روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) یعنی رجوع به منابع موجود استفاده خواهد شد. واحد مشاهده و تحلیل این تحقیق فرد است. علت انتخاب روش پیمایش رسیدن به بیشینه قدرت تعمیم یافته‌ها است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران اهواز است که در این ترم (نیمه اول سال تحصیلی ۱۳۹۲) انتخاب واحد نموده و مشغول به تحصیل هستند. که براساس آمار اخذ شده از مرکز آمار دانشگاه شهید چمران اهواز و با توجه به آمارهای ارائه شده در سایت دانشگاه شهید چمران تعداد آنها ۵۰۹۳ نفر است. که حجم نمونه معادل ۲۵۴ نفر از دانشجویان دختر براساس فرمول کوکران به شیوه نمونه گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و پس از جمع آوری پاسخ‌های پاسخگویان، داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از لحاظ زمانی این تحقیق در سال ۱۳۹۱-۱۳۹۲ اجرا شده است. ضریب پایایی هر یک از متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۱ ذکر شده است که مقادیر آلفای کرونباخ همه متغیرها در سطح قابل قبولی است.

جدول شماره ۱: ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف تحقیق

متغیر	آلفای کرونباخ
نابرابری جنسیتی	۰/۸۲
نگرش به اشتغال	۰/۷۹
نقش‌های جنسیتی	۰/۸۲
دینداری	۰/۸۴
هویت جنسیتی	۰/۷۸
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۰/۸۱
نابرابری جنسیتی	۰/۸۲

یافته‌های پژوهش

توصیف ویژگی‌های جمعیت نمونه

میانگین سن پاسخگویان ۲۱/۷۵، متغیر سن در ۸ دسته، تقسیم بندی شده‌اند که بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۲۴ سال با ۴ نفر (۱/۶ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به رده سنی ۲۱ با ۶۶ نفر (۲۵/۲ درصد) است. از نظر متغیر وضعیت تاهل، شود از ۲۵۴ نفر جمعیت نمونه ۲۳۰ نفر (۹۰/۶) درصد پاسخگویان مجرد و ۲۴ نفر (۹/۴) درصد نیز متاهل هستند. از لحاظ متغیر گروه تحصیلی، رشته علوم انسانی ۴۹/۲۱ درصد، رشته علوم تجربی ۲۲/۴۴ درصد، رشته ریاضی ۲۸/۳۴ درصد پاسخگویان را تشکیل می‌دهند. متغیر قومیت نیز در ۶ رده شامل؛ فارس، لر، عرب، کرد، ترک، سایر تقسیم بندی شده است. که بیشترین فراوانی مربوط به قومیت فارس با ۴۱/۷۳ درصد (۱۰۶ نفر) و سپس مربوط به قومیت لر با ۲۰/۴۷ درصد و کمترین فراوانی مربوط به قومیت ترک با ۳/۱۴ درصد (۸ نفر) است.

توصیف ویژگی‌های متغیر وابسته: هویت جنسیتی دختران دانشجو

جدول شماره ۲، مربوط به آماره‌های توصیفی به متغیر وابسته پژوهش (هویت جنسیتی دختران دانشجو) است. داده‌های جدول حاکی از آن است که میانگین ۲۲۳/۰۸، انحراف معیار برابر ۲۵/۳ واحد و واریانس متغیر مربوطه برابر با ۶۴۰/۵۶ است. حداقل نمره کسب شده ۱۴۱ و

حداکثر نمره ۳۰۳ است.

جدول شماره ۲: آماره‌های توصیفی هویت جنسیتی دختران دانشجو (متغیر وابسته)

میزان	آماره‌های توصیفی
۲۲۳/۰۸	میانگین
۲۵/۳	انحراف معیار
۶۴۰/۵۶	واریانس
۱۴۱	حداقل
۳۰۳	حداکثر

آزمون فرضیات

جدول شماره ۳، نشان دهنده نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته (هویت جنسیتی) است. همانطور که داده‌های جدول (هویت جنسیتی) رابطه معناداری دارند. اما همانطور که ضرایب پیرسون نشان می‌دهند، برخی از متغیرها رابطه منفی و برخی دیگر رابطه مثبت با متغیر هویت جنسیتی دارند. سطح معناداری و ضرایب همبستگی هر یک از متغیرها در جدول شماره ۳ به تفکیک آمده است.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	میزان همبستگی	متغیر
تایید	۰/۰۰۴	-۰/۱۵۰**	نگرش به اشتغال و هویت جنسیتی
تایید	۰/۰۱۴	۰/۳۸۲**	نابرابری جنسیتی و هویت جنسیتی
تایید	۰/۰۰۱	۰/۱۸۳**	دینداری و هویت جنسیتی
تایید	۰/۰۱۶	-0/415**	نقش‌های جنسیتی و هویت جنسیتی
تایید	۰/۰۰۰	-۰/447**	پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت جنسیتی

** . Correlation is significant at the 0. 01 level (2-tailed).

تعیین کننده‌های هویت جنستی: نتایج رگرسیونی

برای تعیین سهم تاثیر گذاری نسبی متغیرهای مستقل بر میزان تولید علمی اعضای هیأت - علمی از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شد. از پنج متغیر مستقل که وارد معادله شدند، تنها سه متغیر نگرش به اشتغال، نقش‌های جنسیتی و دینداری معنادار بوده‌اند که در مجموع ۲۳ درصد از تغییرات مربوط به هویت جنسیتی را این دو متغیر تبیین می‌کنند و مابقی واریانس تبیین شده متأثر از متغیرهای دیگری است که در مدل تحقیق آورده نشده‌اند.

نتایج معادله رگرسیونی نشان می‌دهد که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد در دینداری، هویت جنسیتی به اندازه ۰/۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد انحراف استاندارد نقش‌های جنسیتی، هویت جنسیتی دختران دانشجو به اندازه ۰/۱۱ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد انحراف استاندارد نگرش به اشتغال، هویت جنسیتی دختران دانشجو به اندازه ۰/۴۳ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد. در این معادله به خاطر این که ضرایب استاندارد شده‌اند، به خوبی می‌توان به نسبت تاثیر هر یک از متغیرها بر متغیر وابسته پی برد. در اینجا ملاحظه می‌شود که متغیر نگرش به اشتغال در مقایسه با سایر متغیرها سهم بیشتری در تبیین هویت جنسیتی دختران دانشجو دارد. هم چنین در این مدل رگرسیونی شاخص‌های هم خطی^۱ نیز بررسی شده است. براساس نتایج جدول زیر، شاخص‌های ضریب تحمل و وی. آی. اف در حد قابل قبولی است. جداول زیر نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: تجزیه واریانس رگرسیون چندمتغیره فرضیه‌های پژوهش

مدل	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت F	سطح معنی داری	رگرسیون چندگانه	R ²
رگرسیون	۳	۶۷۶۶۷/۲۸۵	۲۲۵۵۵/۷۶۲	۴۳/۷۳۲	۰/۰۰۰	۰/۴۸۹	۰/۲۳۹
باقی مانده	۴۱۸	۲۱۵۵۸۹/۸	۵۱۵/۷۶۵				
کل	۴۲۱	۲۸۳۲۵۷					

جدول شماره ۵: نتایج رگرسیون هویت جنسیتی و متغیرهای مستقل

وی ای اف	ضریب تحمل	سطح معناداری	مقدار t	Beta	B	شاخص‌ها / متغیرها
		۰/۰۰۰	۲۲/۷۷۳		۱۹۷/۳۲۹	(Constant)
۱/۱۰۸	۰/۹۰۳	۰/۰۰۰	۸/۹۷۴	۰/۴۳	۰/۹۷۳	نگرش به اشتغال
۱/۲۶۳	۰/۷۹۲	۰/۰۰۰	۳/۷۹۴	۰/۱۱	۰/۱۸۳	نقش‌های جنسیتی
۱/۱۶۱	۰/۸۶۱	۰/۰۰۷	۲/۶۹۶	۰/۱	۰/۲۴۹	دینداری

نتیجه گیری

نتایج بدست آمده از آزمون آماری مورد استفاده در این پژوهش نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد بین نقش‌های جنسیتی و هویت جنسیتی دختران دانشجو رابطه وجود دارد. این یافته از تحقیق حاضر با پژوهش قاراخانی (۱۳۸۴) همسو است و از حیث رابطه معنادار با پژوهش ریاحی (۱۳۸۶) هماهنگ است اما نتایج پژوهش ریاحی رابطه مثبت بین دو متغیر را گزارش داده است. همچنین با پژوهش‌های پاول و استیلما (۱۹۸۲) و برهوم (۱۹۸۳) قابل تطبیق است و از لحاظ نظری، با نظریه نقش هماهنگ است.

در رابطه با تایید فرضیه «به نظر می‌رسد بین نابرابری جنسیتی و هویت جنسیتی دختران دانشجو رابطه وجود دارد.» مطابق نظریه‌های جامعه پذیری جنسیتی و نیز یادگیری اجتماعی، افراد طی فرایند جامعه پذیری از طریق سازوکارهای تقویت و تقلید، صفات و ویژگی‌های متناسب با جنسیت خود را از دیگران مهم، به ویژه والدین و سایر اعضای خانواده یاد می‌گیرند. براس نظریه جامعه پذیری جنسیتی، در فرآیند جامعه پذیری در خانواده، نگرش‌ها و هویت جنسیتی به صورت درونی شده به فرزندان انتقال می‌یابد و تداوم قدرت مردان و فرمانبرداری زنان را به دنبال دارد. بر این اساس رابطه معنی دار این فرضیه بر این اساس قابل تبیین است.

این نتیجه از پژوهش حاضر با تحقیقاتی همچون، کلانتری و ایمانی (۱۳۹۲)، قائمی فر (۱۳۸۸) و توسلی (۱۳۸۹) و همچنین با پژوهش بدار و دیگران (۲۰۰۱)، هیلمن (۱۹۹۸) هماهنگ است.

در رابطه با تایید فرضیه «به نظر می‌رسد بین دینداری و هویت جنسیتی دختران دانشجو

رابطه وجود دارد» یکی از کاربردهای نظریه یادگیری اجتماعی، توضیح علل تفاوت‌های جنسیتی در نگرش و رفتار است. این نظریه تاکید بسیار زیادی بر نقش عوامل محیطی در یادگیری نگرش‌ها و رفتارها دارد. به گونه‌ای که نقشش والدین، مدرسه و همسالان را در شکل‌گیری نگرش‌ها و در نتیجه شکل‌گیری هویت افراد بسیار موثر تلقی می‌کنند. این یافته با پژوهش خواجه نوری (۱۳۸۶) همسو، ولی با علمی و علیزاده (۱۳۸۸) منطبق نیست، از این حیث که علمی و علیزاده بین دو متغیر رابطه معناداری مشاهده نکردند. همچنین این یافته از تحقیق حاضر، با نتایج پژوهش هیلمن (۱۹۹۸)، گوردین و تاونزند (۱۹۸۶) هماهنگ است.

در خصوص تایید فرضیه «به نظر می‌رسد بین نگرش به اشتغال و هویت جنسیتی دختران دانشجو رابطه وجود دارد.» نظریه یادگیری اجتماعی بر ارتباط سه گانه بین فرد، رفتار و محیط از طریق فرآیند التزام یا علیت متقابل تاکید می‌کند (گراف و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۸). گرچه فرآیند در دو محیط فیزیکی (جنبه‌های مادی میدان رفتار) اجتماعی (حضور واقعی یا خیالی دیگران و یا مشارکت آنان در زمان یادگیری) رخ می‌دهد، با این حال به نظر می‌رسد محیط اجتماعی اهمیت ویژه‌ای دارد (شاوو کوستانزو، ۱۹۸۲: ۴۱). این یافته از تحقیق حاضر با پژوهش ریاحی (۱۳۸۶)، شکرپیگی (۱۳۸۹)، علمی و علیزاده (۱۳۸۸) و همچنین با پژوهش پاول و استیلما (۱۹۸۲)، قابل انطباق است، ولی با تحقیق استفان و کورددر (۱۹۸۵) از حیث عدم رابطه بین دو متغیر غیرهمسو است.

در رابطه با تایید فرضیه «به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت جنسیتی دختران دانشجو رابطه وجود دارد» در نظریه نقش، مفاهیم پایگاه و مجموعه پایگاهی و نیز نقش و مجموعه نقشی اهمیت می‌یابند. در واقع، پایگاه موضعی است که فرد در ساختار اجتماعی جامعه خود، اشغال می‌کند و براساس ارزش مندی آن پایگاه به لحاظ میزان کنش، قدرت، تسلط و یا حیثیت جای معینی را در سلسله مراتب اجتماعی به خود اختصاص می‌دهد. در هر پایگاه افراد از برخی حقوق و امتیازات برخوردار می‌گردند در حالی که باید وظایف و تکالیفی را نیز انجام دهند. این یافته از تحقیق حاضر با پژوهش استفان و کورددر (۱۹۸۵)، بدار و دیگران (۲۰۰۱)، گوردین و تاونزند (۱۹۸۶)، و همچنین با تحقیقاتی همچون قاراخانی (۱۳۸۴) و سفیری و زارع (۱۳۸۶) و خمسه (۱۳۸۳) همسو و هماهنگ است.

منابع

- ۱- احمدی، اصغر (۱۳۸۱)، بررسی تاثیر خانواده بر نگرش‌های جنسیتی فرزندان: مورد شهر دره شهر: تهران پایان نامه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۲- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، تحلیل ساختاری جنسیت، نگرشی بر تحلیل جنسیت در ایران. نسرین جزنی، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) تحلیل ساختاری جنسیت: نگرشی بر تحلیل جنسیتی در
- ۴- انصاری، زهرا و نسرین اسکویی (۱۳۸۰)، هویت، تهران: دفتر امور زنان وزارت آموزش و پرورش.
- ۵- اوراس، آلن (۱۳۷۳)، روانشناسی شخصیت، ترجمه سیاوش جمالفرد، تهران: بعثت.
- ۶- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- ۷- آلمال، فرانگیس (۱۳۷۵) عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی دانش
- ۸- آموزان منطقه ۵ تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۹- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۸)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، جلد ۲، گناباد: مرندیز.
- ۱۰- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
- ۱۱- جکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه.
- ۱۲- حجازی، الهه (۱۳۸۰) «باورهای جنسیتی دانش آموزان شهر تهران و رابطه آن با رضایت مندی روانی- اجتماعی»، تهران: معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- 13- Baron, R. A. ; nd Byrne, D (1997) "social Psychology", New Delhi: Brown, K. (1987) Adolescent development and behavior"
- 14- Baron, Robert A. and Byrne, Donn, (1997), Social Psychology, Bem, S. L. (1947), "the Measurement of Psychological Androgeny", Jurnal of
- 15- Beynon, J. (2002), Masculinities and Culture, Bukingham: Open University Press.

